



### سیستان و بلوچستان پر بارش ترین استان کشور در تابستان شد

بارش های فرا نرمال مونسون امسال سبب شد تا میانگین بارش سیستان و بلوچستان در ۱۸ روز نخست تابستان به بیش از ۱۱ میلی متر برسد و پر بارش ترین استان کشور از ابتدای تابستان تاکنون شود. به گزارش روابط عمومی سازمان هواشناسی کشور، بر اساس داده های تاریخی های سازمان هواشناسی، میانگین بارش نرمال سیستان و بلوچستان در ۱۸ روز نخست تابستان ۲۰۴ میلی متر است که امسال ۳۶۹ درصد افزایش یافته است.

### انباشت معدنی میلیون ها تن زغال سنگ، زنگ خطر تخریب محیط زیست را به صدا در آورد

سیاهی زغال بر چهره سبز «سوادکوه»  
انباشت معدنی میلیون ها تن زغال سنگ در ارتفاعی حدود ۲۰ متر، زنگ خطر تخریب محیط زیست سوادکوه در البرز مرکزی را به صدا در آورده است. سال ها است که سیاهی زغال، رنگ از رخ سبزی این منطقه روده و در نتیجه عدم مدیریت پسماند های معدنی و باطله ها و نفوذ آلودگی ها به آبهای زیر زمینی، گونه های گیاهی، حیوانی و بخصوص مردم بومی این منطقه را با مخاطرات جدی مواجه کرده است.

زمین های کشاورزی در اصفهان در حال تبدیل به کانون ریزگردهاست

# افزایش ۴۰۰ هزار هکتاری فرسایش خاک در مرکز ایران

خسارت های فرسایش خاک در اصفهان به ۴ هزار میلیارد ریال رسید

صفحه ۱۶ را بخوانید



«ایران» از وضعیت نابسامان مهد های کودک و سرگردانی والدین و مدیران مهد ها گزارش می دهد

## کودکی رهاش شده

سال ها است که مهد های کودک و پیش دبستانی های به دلیل افزایش قشر شاغل جامعه و توجه به نیاز کودکان به آموزش و همپایزی پیش از ورود به دبستان، به یکی از مراکز مهم و مورد استقبال خانواده ها تبدیل شده است. خانواده ها در سپردن کودکانشان به مهد های کودک به دودسته تقسیم می شوند: مادران شاغلی که مجبور به استفاده از خدمات مهد های کودک هستند یا خانواده هایی که برای یادگیری مهارت ها و آموزش های لازم و ارتباطی، از یک سنی به بعد حضور کودکانشان در جمع همسالانشان را انتخاب می کنند.

۱۸

کاظم دانشی در گفت و گو با «ایران» از اولین تجربه فیلمسازی اش گفت

### مادرانگی حلقه وصل قصه «علفزار» است

فیلم سینمایی «علفزار» به یک روز از زندگی پرتلاطم یک بازیگر می پردازد. کاظم دانشی در نخستین تجربه بلند سینمایی بر اساس فیلمنامه ای از خودش سراغ پرونده های واقعی رفته و به چند موضوع ملتهب و مبتلا به اجتماعی پرداخته است...



گزارش «ایران» از لزوم نظارت و دقت شهرداری بر ایمنی فضاهای عمومی

### مسئولیت ایمنی در شهر با شهرداری است!

معرفی مقصران مرگ دختر ۴ ساله در فضای سبز

پرونده «سقوط دختر ۴ ساله تهرانی به چاهی در منطقه ۱۵» دیروز به صحن علنی شورای شهر تهران آمد تا بهشت نشینان در نخستین جلسه علنی بعد از این حادثه، جزئیات این پرونده تلخ را بررسی کنند. چند روز پیش بود که سقوط این دختر بچه در چاهی در محدوده افسریه، خبر ساز شد...

صفحات ۱۹ و ۲۲ را بخوانید

واکنش سرمربی تیم ملی والیبال به تقابل دوباره با لهستان

### عطایی: فرقی نمی کرد با چه تیمی بازی کنیم

ملی پوشان ایران در هفته آخر دور مقدماتی لیگ ملت ها به میزبانی گدانسک، درخشیدند و از غول های والیبال دنیا زهر چشم گرفتند؛ درخششی که نتیجه اش صعود به دور نهایی لیگ ملت ها بود و مزدش بلیت سفر به ایتالیا.

امیر رحیمی



مغازه های بازار زید به مدد داربست و آویزان کردن طاقه های پارچه مرز خود را از یکدیگر جدا کرده اند. انبوه میزها باعث شده راهرو برای جمعیتی که عرق ریزان و خسته با دست های پر از کیسه های بزرگ در حال رفت و آمد هستند تنگ شود. هر از چند گاهی هم صدای «برو کنار» کسی که با چرخ دستی پیش می آید، نظم کل فضا را به هم می ریزد. اما در این میان زنانی که با تمرکز مشغول لمس پارچه ها هستند انگار هیچ صدایی جز صدای خش خش پارچه لای انگشتانشان رانمی شنوند



می خورند. داخل پاساژ که یکی از مرکزی ترین مکان های خرید پارچه است حسابه شلوغ است و آن طور که از زمره های مشتریان می فهمیم قیمت ها اینجا هم بالا است. سیدهای زیادی در راهروها به پارچه های ته طاقه مغازه ها اختصاص پیدا کرده است و خیلی ها که دنبال پارچه های ارزان تر هستند از بین آنها انتخاب می کنند. با مردی که همراه همسرش به بازار آمده و چند کیسه بزرگ پارچه به دست گرفته سر حرف را باز می کنم. او در همان حوالی همراه همسرش فروشگاه لباس زنانه دارد و حالا خسته روی راه پله نشسته است. از گران شدن ملزومات دوخت لباس زنانه می گوید، کاری که همسرش انجام می دهد و او مسئول فروش تولیدات است: «لایی، زیپ، دکمه، نوار، سگک و هر چیزی که برای تولید لازم است گران شده اما خیلی به چشم نمی آید. این گرانی باعث شده سود هم پایین بیاید.»

همین طور که مشغول حرف زدن هستیم همسرش با کیسه ای بزرگ از راه می رسد و با خنده عصبی به همسرش غرولند می کند. وقتی متوجه موضوع صحبت می شود، می گوید: «یک چیز بین همه خاطاها مشترک است؛ دست درد، چشم درد و گردن درد و پا درد. چشم ها زود ضعیف می شود و دست و پانیا ز به فیزیوتراپی دارد. باید همیشه پول دوا دکتر بدهید.» او کنار همسرش می نشیند و از روزگاری می گوید که کارگاهی کوچک داشت و به چند نفر روزی می رساند: «از چند سال پیش دیگر کارگاه داشتن صرف نمی کرد. یکی از مشکلات کسب و کارهای کوچک مخصوصا در فضای کارگاهی هزینه آب و برق و اجاره است. گاهی هزینه اجاره آنقدر بالا است که مجبور می شوند مثل ما جمع کنند.»

بازار احسانی عیدل آباد یکی دیگر از پاتوق های تولیدکنندگان خانگی است. کسانی از راه های دور نزدیک برای خرید مواد اولیه و پارچه به این بازار می آیند تا بتوانند با قیمت مناسب تری خرید کنند. یکی از آنها را داخل مغازه پارچه فروشی می بینم که در حال ورق زدن پارچه هایی با طرح های فانتزی است. او که تولیدکننده کیف های پارچه ای است به قول خودش برای خرید پارچه باید حواسش داشته باشد که پارچه ایستایی خوبی دارد یا ریزش دارد و... او ۱۰ سال است که این کارخانگی را شروع کرده و راضی است، اما آرزوهایی دارد که به قول خودش سخت به آنها می رسد: «دل می خواهد چند نفر دیگر را هم وارد کار کنم تا با هم کار کنیم، اما کار راحتی نیست چون دست زیاد شده و سخت بشود بازار ثابتی پیدا کرد. وقتی هم نشود بازار ثابت پیدا کرد و از کسب و کارهای جدید و گسترش کار



ایران

همراه با صاحبان کسب و کارهای کوچک خانگی در راسته های پارچه فروشان بازار تهران

## از بازار زید تا پاساژ مریم

محمد معصومیان  
گزارش نویسن

یکی از اهواز...» همین طور که از کاروکاسبی و تغییرات قیمت می گوید زنی میانسال و دو دختر جوان با هم وارد می شوند و شروع می کنند به قیمت گرفتن و مقایسه کردن. شباهت ظاهری بین سه زن باعث می شود همسر صاحب مغازه از آنها در مورد نسبت شان بپرسد و آنها هم با خنده در برابر یک سؤال همیشگی بگویند: «خاله دارد. دو خواهر زاده هستیم». تیمی کامل که با هم یک کاروکاسبی خانگی را اداره می کنند. خود را معرفی می کنم و وزن میانسال از گرفتاری اداره چنین کسب و کارهایی می گوید: «راستش اول دست تنها بودم و شلوار مجلسی تولید می کردم برای درو همسایه و آشنا. بعد دیدم همه تعریف و تمجید می کنند و دستم راه افتاد اما دیگر از پس مشتری بر نمی آمدم. این دو که از بچگی عشق خیاطی بودند من هم از مادر این دوتا که خواهر من است خیاطی یاد گرفته بودم آمدن کنار من و الان هم باهم کار می کنیم. البته الان ما توتو و شلوار مجلسی رسمی تولید می کنیم. یکی دوتا همکار هم داریم که برای ما کار می کنند.»

از نظر او دیگر کسب و کار خانگی مانند

تقریباً بی معنی است.» او در این ۲ سال همه بازارهای پارچه تهران از خیابان زرتشت و گاندی گرفته تا پاساژ میری تجریش را زیر پا گذاشته و حالا اولین بار است که با پیشنهاد چند نفر از دوستان به این بازار آمده است. در بازار قدم می زنم. فروشندگان جلوی در مغازه ها مشغول داد و فریاد برای جذب مشتری هستند. بعضی از کودکان برای تبلیغ روی صندلی های فایبرگلاس ایستاده اند و پارچه ها را در هوا تکان می دهند. دوزن که نظرم را جلب می کنند. پیش می روم و پیش از رسیدن متوجه می شوم که منتظر آوردن پارچه بیرون مغازه هستند اما ورودی مغازه به گونه ای مسدود است که راه برای رفتن به داخل نیست. آنها که یک دختر جوان همراه خود دارند هر دو تولیدکننده سرویس پیش بند، دم کنی و کیسه های کوچک آشپزخانه هستند. کمی منتظر می مانم تا خریدشان تمام شود. تقریباً ۵۰ ساله به نظر می رسند. آن طور که می گویند در جمعه بازار پارکینگ پروانه با یکدیگر آشنا شده اند. محبوبه خانم که سال ها است کارش دوخت و دوز است از دوستی چند ساله با ماهدخت می گوید: «راستش اولین بار در پارکینگ پروانه با یکدیگر آشنا شدیم و دیدیم هر دو کار می کنیم و شرایط ما هم شبیه یکدیگر است برای همین شراکت کردیم. باهم شروع کردیم و خدا را شکر

رسته های پارچه فروشان در بازار تهران باتوق تولیدکنندگان خانگی و کسب و کارهای کوچک زنانی است که می خواهند چرخ زندگی را بچرخانند. زنانی که کیسه های بزرگ پارچه را در گرمای هوا زیر سقف آهنی و عرق کرده بازارچه به این سو و آن سو می کشانند و با وسواس طاقه های پرتفش و رنگ پارچه را ورق می زنند تا از کیفیت و قیمت آنها مطمئن شوند؛ به قول یکی از فروشندگان «راسته کیلویی ها» در بازار بزرگ تهران. آنها می گویند اگر این کسب و کارهای کوچک نباشند ما هم باید جمع کنیم برویم خانه بنشینیم. زنانی که عمده مشتری این بازارهای متنوع هستند هم از مشکلات کار و سختی خرید و تبلیغ می کنند؛ آنانی که سرمایه اندک خود را وسط گذاشته اند تا زندگی را پیش ببرند و نقش تأثیرگذاری در اقتصاد خانواده داشته باشند.

مغازه های بازار زید به مدد داربست و آویزان کردن طاقه های پارچه، مرز خود را از یکدیگر جدا کرده اند. انبوه میزها باعث